

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در مسئله دوازدهم از مسائل مربوط به نیت می باشد، عرض کردیم که در این مسئله چهار فرع مطرح شده، اول مربوط به زمان نیت کردن برای صوم واجب معین می باشد که عرض کردیم ابتدای وقت نیت از شب و یا حتی از روز قبل می باشد به شرطی که بر نیت خود باقی باشد و آخرین وقت برای نیت کردن اول طلوع فجر می باشد یعنی شخص باید مقارن با طلوع فجر نیت صوم کند، دلیل این فرع را هم ذکر کردیم . در فرع دوم صاحب عروة فرمودند که اگر شخصی جهلا و یا نسیانا برای صوم واجب معین نیت نکرده باشد تا ما قبل زوال وقت دارد که نیت صوم کند و روزه اش هم صحیح می باشد . ایشان در فرع سوم فرمودند که در واجب غیر معین مثل صوم قضا و یا صوم کفاره و یا صوم نذر غیر معین ، اگر در شب و یا عند طلوع الفجر نیت نکرد و مفطری هم انجام نداد می تواند تا قبل از زوال نیت صوم کند . بعد در فرع چهارم که مربوط به صوم مندوب است ایشان فرموده اند که حتی در بعد از ظهر هم اگر مفطری انجام نداده باشد می تواند نیت صوم مندوب کند . بحث ما فعلاً در فرع سوم می باشد و می خواهیم ببینیم دلیل این حکم چیست؟ دلائل این حکم روایات کثیره ای است که ما در این رابطه داریم که این روایات در وسائل الشیعه ۲۰ جلدی باب های دوم سوم و چهارم از ابواب وجوب الصوم و نیت ذکر شده . در باب دوم که از ص ۴ از جلد ۷ و مسائل ۲۰ جلدی شروع می شود اخباری ذکر شده که از لحاظ مفاد به چند دسته تقسیم می شوند، یک دسته خبر پنجم باب یعنی خبر محمد بن قیس می باشد که در آن آمده است: «قبل أن یطعم طعاماً أو یشرب شراباً و لم یفطر فهو بالخیار إن شاء صام وإن شاء أفطر». اگر صبح کرد در حالی که طعامی و شرابی نخورده اختیار دارد که إن شاء صام و إن شاء أفطر، این روایت از این جهت مطلق است که وقت معین نکرده و نگفته که ماقبل زوال صام یا أفطر بلکه اطلاق دارد. خبر دیگری که جزء همین دسته می باشد خبر چهارم باب یعنی خبر صالح بن عبدالله می باشد که البته این خبر ضعیف است چون صالح بن عبدالله توثیق نشده ولی چونکه فقها به آن عمل کرده اند ضعفش جبران می شود، خبر این است: وعنه: شیخ طوسی باسناده عن أحمد، عن الحسنین ، عن فضالة، عن صالح بن عبدالله، عن أبي ابراهیم (ع) قال: قلت له :

رجل جعل لله عليه الصيام شهراً فيصبح و هو ينوي الصوم، ثم يبدوله فيفطر ويصبح و هو ينوي الصوم فيبدوله فيصوم، فقال: هذا كله جائز. این خبر دلالت دارد بر این که اگر شخص تا ظهر تردید کرد و یا حتی قصد خلاف کرد که بخورد اما نخورد جائز است و اشکالی ندارد .

در روزه بعداً ما بحث می کنیم که نیت قطع و قاطع روزه را به هم می زند چون روزه آن است که انسان قصد کند که از طلوع فجر تا غروب امساک کند و این قصد مثل عام مجموعی می باشد یعنی دقائق و ساعات همه به هم مربوط هستند و یک لحظه اگر به هم بخورند روزه به هم می خورد فلذا نیت قطع و قاطع روزه را بهم می زند، در اینجا اولاً چونکه روزه غیر معین می باشد و ثانیاً هنوز قصد نکرده برای گرفتن روزه فلذا اگر در تردید باشد و یا حتی نقض هم بکند اشکالی ندارد و این خبر هم بر این مطلب دلالت دارد و صاحب عروة هم بعداً ذکر می کند که اگر در روزه غیر معین قصد نکرد و یا قصد کرد ولی بعداً پشیمان شد اگر دوباره تا ظهر قصد کرد اشکالی ندارد، بنابراین خبر اول که خواندیم مطلق بود ولی در خبر دوم که خواندیم آمده است که با تردید و نقض هم اشکالی ندارد .

دسته دوم اخباری هستند که وقت را معین کرده اند یعنی گفته اند که تا چه زمانی اگر نیت نکرده وقت دارد که نیت کند، خبر اول از باب دوم یعنی صحیحه حلبی که در ص ۴ واقع شده است بر این مضمون دلالت دارد و در آن آمده است: «إن رجلاً أراد أن يصوم ارتفاع النهار أیصوم؟ قال: نعم» .

خبر دوم از باب دوم که صحیحه عبدالرحمن بن حجاج می باشد و در ص ۴ واقع شده است هم جزو دسته دوم می باشد و در آن آمده است: «ویرتفع النهار فی صوم ذلک الیوم لیقضیه من شهر رمضان، ولم یکن نوى ذلک من الیل، قال: نعم لیصمه ولیعتد به إذا لم یکن أحدث شیئاً» .

خبر بعدی که جزء این دسته است خبر سوم از باب دوم یعنی صحیحه عبدالله بن سنان می باشد که در ص ۵ واقع شده است و در آن آمده است: «إن بداله أن يصوم بعد ما ارتفع النهار فلیصم ، فانه یحسب له من الساعة التي نوى فیها» .

دسته سوم از اخبار، خبر ششم از باب دوم یعنی خبر عبدالرحمن بن حجاج می باشد که در آن آمده است: «وكان علیه يوم من شهر رمضان أله أن يصوم ذلک الیوم و قد ذهب عامة النهار؟ فقال " نعم له أن يصوم و یعتد به من شهر رمضان» . در این خبر عامه

النهار آمده است یعنی باید بیشتر روز(دو ثلث) گذشته باشد چرا که ظهر نصف النهار می باشد .

دسته چهارم اخباری هستند که زوال شمس را میزان قرار داده اند؛ اول خبر دهم از باب دوم یعنی خبر عمار ساباطی می باشد که در آن آمده است: «عن أبي عبدالله (ع) عن الرجل يكون عليه أيام من شهر رمضان و يريد أن يقضيها متى يريد أن ينوي الصيام؟ قال: هو بالخيار إلى أن تزول الشمس ، فإذا زالت الشمس فان كان نوى الصوم فليصم، وإن كان نوى الافطار فليفطر، سئل فان كان نوى الافطار يستقيم أن ينوي الصوم بعد ما زالت الشمس ؟ قال: لا الحديث « . این روایت حد را زوال شمس معین می کند .

دوم خبر چهارم از باب چهارم می باشد که در ص ۹ واقع شده است، خبر این است: «محمد بن الحسن باسناده عن سعد بن عبدالله ، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن النضر بن سويد، عن جميل بن دراج، عن أبي عبدالله (ع) أنه قال في الذي يقضى شهر رمضان إنه بالخيار إلى زوال الشمس فان كان تطوعاً فانه إلى الليل بالخيار». خبر سنداً صحیح است .

سوم خبر دهم از باب چهارم می باشد که در ص ۱۰ واقع شده است، خبر این است: «باسناده عن علي بن الحسن بن فضال، عن ابراهيم بن أبي بكر بن أبي سماك ، عن زكريا المؤمن ، عن اسحاق بن عمار ، عن أبي عبدالله (ع) قال: الذي يقضى شهر رمضان هو بالخيار في الافطار ما بينه وبين أن تزول الشمس ، وفي التطوع ما بينه وبين أن تغيب الشمس» .

عرض کردیم از اخباری که تا به حالا خواندیم استفاده می شود که در واجب غیر معین تا زوال شمس وقت برای نیت باقی است، اما دو خبر داریم که بر خلاف آنچه که ما گفتیم دلالت دارند یعنی طبق قول مشهور و بلکه اجماع میزان و ملاک زوال شمس می باشد و سید مرتضی هم در انتصار گفته است امامیه قائل به این است که در واجب غیر معین تا زوال شمس وقت برای نیت کردن باقی است، در مانحن فیه چند نفر از زوال شمس بالاتر رفته اند ؛ یکی ابن جنید اسکافی می باشد که همانند روزه مستحبی در واجب غیر معین هم گفته است که تا عصر وقت دارد که نیت روزه کند و دیگری ملا محسن فیض کاشانی می باشد که در مفاتیح به همین صورت قائل شده . ۲ الی ۳ خبر می تواند شاهد بر کلام این دو نفر باشد یکی خبر ششم از باب دوم یعنی خبر عبدالرحمن بن حجاج که در آن آمده بود: «سألت أبا الحسن موسى (ع) عن

الرجل يصبح ولم يطعم ولم يشرب ولم ينو صوما وكان عليه يوم من شهر رمضان أله أن يصوم ذلك اليوم وقد ذهب عامة النهار؟ فقال: نعم له أن يصومه ويعتد به من شهر رمضان « . عامة النهار یعنی اینکه بیشتر روز گذشته باشد که خوب معلوم است که وقتی بیشتر روز گذشته باشد ظهر هم گذشته است . خبر دیگری که شاهد بر کلام آنها می باشد خبر نهم از باب دوم است که البته مرسل می باشد، خبر این است: «وإسناده عن محمد بن احمد بن يحيى، عن يعقوب بن زيد، عن احمد بن محمد بن ابی نصر، عن ذكروه، عن ابی عبدالله (ع) قال: قلت: الرجل يكون عليه القضاء من شهر رمضان ويصبح فلا يأكل إلى العصر أيجوز أن يجعله قضاء من شهر رمضان؟ قال: نعم» .

در اینجا دو دسته روایت داریم که دسته ای می گویند تا زوال شمس و دسته دیگر می گویند تا بعد از زوال وقت برای نیت کردن در روزه واجب غیر معین باقی است، پس ما باید جمع بین این روایات کنیم فلذا در اینجا صاحب جواهر و شیخ انصاری که کتابی در صوم دارد و مصباح الفقیه همدانی گفته اند که این دو خبر معرض عنه هستند یعنی مورد اعراض اصحاب می باشند و فقهای ما طبق آنها فتوی نداده اند . حالاً بنده آدرس دقیق بعضی از کتابها را عرض می کنم تا شما به آنها مراجعه کنید، اول صاحب جواهر در ص ۱۹۹ از جلد ۱۶ این مطلب را بیان کرده، در بعضی از روایات کلماتی وجود دارد با این مضمون که از وقتی که آن شخص نیت می کند حساب می شود در حالی که آن شخص مثلاً از یک ساعت به ظهر نیت کرده، خوب چطور در این صورت روزه حساب می شود؟ صاحب جواهر در اینجا می فرمایند که ما این کلمات را حمل بر فضیلت و ثواب می کنیم و إلا روزه روزه است همان طور که بنده عرض کردم و این أدله هم دلالت دارند که این ها روزه می باشند، اصلاً اشکال ما به آیت الله خوئی همین بود چرا که ایشان می فرمودند که روزه باید از طلوع فجر تا غروب باشد ولی ما گفتیم که خیر روزه وسیع تر از این است و تمامی این موارد روزه می باشند، پس صاحب جواهر می فرمایند که این کلمات را ما حمل می کنیم بر این که ثواب روزه فرق می کند یعنی اگر از طلوع فجر تا غروب روزه بگیرد ثوابش بیشتر است ولی اگر مثلاً یک ساعت به ظهر نیت کند ثوابش کمتر است، بعد ایشان می فرمایند اینکه در اینجاها مثلاً یک ساعت به ظهر می تواند نیت روزه کند و روزه هم حساب می شود در واقع این نیت مثل اجازه در بیع فضولی می باشد، مثلاً در بیع فضولی یک ماه قبل معامله انجام شده و در این یک ماه فرض کنید که مثلاً

گوسفند بچه آورده و شیر داده و یا پشم داده، حالا که مالک در یک ماه بعد اجازه بیع را صادر می کند اگر اجازه را کاشفه بدانیم از وقتی که عقد واقع شده تمامی نماء صادره از مبیع (گوسفند) متعلق به خریدار می باشد، یعنی این اجازه به قدری کارایی دارد که از همان وقتی که عقد واقع شده نقل و انتقال را درست و صحیح می کند، پس ایشان می فرمایند که در مانحن فیه هم به همین صورت می باشد یعنی درست است که آن شخص یک ساعت مانده به ظهر نیت کرده ولی این نیت به اندازه ای کارایی دارد که ثواب روزه را از همان طلوع فجر به او می دهند و روزه آن شخص را مثل همان صومی که از طلوع فجر نیت کرده می کند. دوم مصباح الفقیه ص ۳۱۷ تا ص ۳۱۸ و سوم مهذب الأحکام جلد ۱۰ ص ۳۳ و چهارم مستمسک جلد ۸ ص ۲۱۳ می باشد که در آنها گفته اند که این دو خبر (خبر ۶ و ۹ از باب ۲) که گفته اند تا عصر می تواند نیت کند معرض عنه می باشند و میزان آن است که فقط تا زوال برای نیت کردن وقت دارد.

خوب حالا باید ببینیم آیت الله خوئی در اینجا طبق مبنای خودشان که اعراض و عمل مشهور را مؤثر در روایت نمی دانند چه کار می کنند؟ که وقت تمام است بماند إنشاء الله برای فردا. ...

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد وآله الطاهیرین